

1379/09/01

تقوای سیاسی در مکتب امیرمومنان (ع)

مقدمه

در طول تاریخ، نظامها سیاسی مختلف برای تحکیم و استمرار حاکمیت خویش، راهکارهای متفاوتی را تجربه کردند؛ از گماردن مشاوران حکیم و وزیران باهوش و تشکیل مراکز آموزشی برای تربیت کارمندان هم‌کیش تا استفاده از قوه‌ی قهریه و سرکوب شدید مخالفان در عصر قدیم و مشارکت دادن مردم در سرنوشت سیاسی خویش از طریق انتخابات در عصر جدید. اما راهکاری که کمتر بدان توجه شده تقوای سیاسی است که معدود حاکمانی با تأسی از آن حکومت را به دست داشته‌اند و با نگاه به صدر اسلام، پس از پیامبر(ص) تنها حضرت علی(ع) آن را سرلوحه برنامه حکومت خویش قرار دارد، زیرا با نگرش ایشان به دنیا و خلافت، نمی‌توان چیزی جز تقوا را از ایشان انتظار داشت، هر چند حضرت در پیشبرد برنامه‌های حکومت خود که همان اصلاح جامعه و بازگشت به فطرت اصیل انسانی بود، کاملاً موفق نشد و مشکلات روزافزون داخلی مانع اجرای اهداف او بود، اما امروزه میتوان با پرهیز از تاریخ‌زدگی و معطوف ماندن به گذشته از سویی و عصرزدگی و غرق در پیشرفت‌های حال و آینده از سوی دیگر، با تمسک به رفتار و سیره حضرت پسان الگویی ظریف و زیبا به اصلاح معضلات جامعه خویش در تمام زمینه‌ها پرداخت.

این نوشتار در حد توان درصدد بیان برخی نتایج از تقوای سیاسی است که با تعریف تقوا آغاز و با نقل خطبه‌های حضرت و روایاتی مختصر از ایشان پایان مییابد. تقوا: علمای اخلاق تقوا را به معنای نگهداری و تحفظ از گناه و معصیت و دارای دو بعد دوری از محرمات و انجام واجبات و با چندین ویژگی برشمردند و حضرت علی(ع) آن را «رئیس الاخلاق» لقب داده و در معرفی صفات مومنان در گفتگو با همابن شریح، برای آن بیش از دویست ویژگی فرموده‌اند. تقوا منحصر به امور فردی و دوری از محرمات شرع نیست، بلکه میتوان در حوزه سیاست، و دیگر زمینه‌هایی که میان دولت‌ها و ملت‌ها در جریان است، از تقوا سخن گفت و از تقوای فرهنگی، تقوای اقتصادی و تقوای سیاسی نیز یاد کرد. تقوای سیاسی عبارت از اینکه سیاستمدار همه افراد جامعه را اعضای پیکر مادی و اجزا و استعدادها و نیروهای درونی برای شخصیت خود که پویا در جاذبه کمال است تلقی نماید و چنانچه شخص سیاستمدار در مدیریت اعضای پیکر مادی و استعداد و نیروهای خود دارای عدالت، لطف و رحمت محض است، باید درباره اعضای جامعه که مدیریت آن را برعهده گرفته است با صفات مزبور رفتار کند.» (1)

در اهمیت تقوا برای حاکم، حضرت علی(ع) در فرمان حکومتی به مالک اشتر بلافاصله او را به تقوا امر میکند و میفرماید: «امر به تقوی الله و ایثار طاعت...» یعنی «او را فرمان - نه خواهش یا درخواست - دهد به تقوای الهی و گزینش طاعت او...» و در بیان مراتب تقوای الهی ادامه میدهد: «و اتباع ما امر به فی کتابه من فرائضه و سنته ... و ان یصل الله سبحانه بقلبه و یده و لسانه.... و امره ان یکسر نفسه من الشهوات و یزعها عند الجمعات...» یعنی «پیروزی آنچه در کتاب خود فرموده از واجبات و سنت‌هایش و اینکه خدای سبحان را با دل و دست و زبان یاری کند ... او را فرمان دهد تا نفس خود را از خواهش‌ها باز دارد و هنگام سرکشی به فرمانش آرد...» حضرت علی(ع) در فراز اول از همین فرمان نتیجه عمل به تقوا و عدول از آن را مختصر و مفید بیان کرده‌اند: «التی لا یسعد احد الا باتباعها و لا یشقی الامم جحودها و اضاعتها...»؛ کسی جز با پیروی آن، راه نیکبختی را نپوید و جز با انکار و تباه کردن آن بدبخت نشود. در تأثیر معنوی تقوا در خطبه 113 حضرت میفرماید: تقوای خدا، دوستان خدا، را از حرام نگه داشته و دل‌های آنان را ملزم به ترس از خدا مینماید، تا حدی که شبها (برای نماز) بیدار و روزهای گرم را (برای روزه) تشنه نگه میدارد، پس راحت و سیرابی را به رنج و تشنگی برگزیده، مرگ را نزدیک دیده به سوی عمل شتافتند و آرزوها را تکذیب کرده، آخرت را ملاحظه نمودند....»

استاد مطهری در پاسخ به ادعای کسانی که تقوا را محدودکننده آزادی اجتماعی میدانند، تقوا را مصونیت قلمداد کرده و به استناد این بخش از خطبه حضرت یعنی «فان تقوای الله مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلكه بها ینجح الطالب و ینجو الهارب و تنال الرغائب: تقوا کلید درستی و اندوخته روز قیامت است، آزادی است از قید رقیت، نجات است از هر بدبختی، به وسیله تقوا انسان به هدف خویش میرسد و از دشمن نجات مییابد و به آرزوهای خویش نائل میگردد» استدلال میکند که «تقوا در درجه اول و به طور مستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادیبخش انسان است، رقیتها و بندگیهای اجتماعی نتیجه رقیت معنوی است، آنکس که بنده و مطیع پول و مقام است نمیتواند از جنبه اجتماعی، آزاد زندگی کند... پس تقوا تنها نه این است که قید و محدودیت نیست بلکه عین حریت و آزادی است.» (2) حضرت علی(ع) تقوا را دواي درد جسم و روح معرفی میکند و در توصیه‌های بهداشتی برای شفای امراض جسمانی و روانی میفرماید: «شفاء مرض اجسادکم» و استاد مطهری در توضیح آن مینویسد: «... اگر تقوا نباشد آدمی حتی تن خود و سلامت تن خود را قادر نیست حفظ کند، آدم متقی که به حد خود و حق خود قانع و راضی است و روحی مطمئن‌تر و اعصابی آرام‌تر و قلبی سالم‌تر دارد، دائما در فکر نیست کجا را برد و کجا را بخورد و کجا را ببلعد، ناراحتیهای عصبی او را به زخم روده و زخم معده مبتلا نمیسازد؛ افراط در شهوت او را ضعیف و ناتوان نمیکند؛ عمرش طولانیتر میشود؛ سلامت تن و سلامت روح و سلامت اجتماع همگی بستگی دارد به تقوا» (3)

افزون بر پرهیز و دوری از شکم‌چرانی و لذت‌جویی میتوان نتایج دیگری نیز از تقوا گرفت، از جمله: درک و شناخت فقر و بدبختی در میان پایین‌ترین اقشار جامعه، نزدیک‌سازی معیشت مردم به مسئولان و همدلی مقابل مردم و کارگزاران دولت در شرایط مختلف، حضرت علی(ع) در نامه به عثمان بن حنیف وقتی شنید که در بصره به میهمانی ثروتمندان رفته است، فرمود: «... اگر میخواستیم به این غسل پالوده و آن

مغز گندم و این بافته‌های ابریشمین به آسانی راه مییافتم، ولی هیئات که هوا و هوس بر من چیره شود و شکمبارگی به گزینش طعام‌های لذیذ وادارم، در حالی که چه بسا در یمامه یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نیز نداشته باشند و شاید هم تمامت عمرشان خالی از خاطره سیری باشد.»

شاید سؤال پیش آید که مگر استفاده از امکانات برای مسئولان چه اشکالی دارد و برای نمایش قدرت و ثروت حکومت خود به دیگران چرا نباید از مظاهر مادی بهره برد؟ پاسخ را از نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌آوریم که «.... بر هوس خویشتن خویش مالک باش و از آنچه حلال نیست، خود بر خویش سخت بگیر» و بخش دیگر از پاسخ را از نامه حضرت به مرزداران خود که می‌فرماید: «اما بعد بپتدید حق این است که اگر زمامدار امتیازی فراچنگ آرد یا با امکاناتی خاص امتیازی بیاید، این همه شایسته نیست که او را بر ضد ملت دگرگون کند، بلکه نعمات خدادادی باید نزدیکتر و مهربان‌تر شدنش را به بندگان خدا و برادرانش سبب شود.» بنابراین برخورداری مسئولان از امکانات نباید امتیازی خاص - که موجب فاصله گرفتن از مردم میشود - تلقی گردد، بلکه باید در جهت همسانی با مردم مورد استفاده قرار گیرد.

نجات از غرور:

برای نجات از غرور کاذب ناشی از برخورداری از امتیازات حکومتی که گریبانگیر مسئولان - حتی اگر مالک اشتر باشد - میشود، حضرت توصیه میکند: «هرگاه شکوه ویژه فرمانروایی به نخوت و خودبزرگبینی دچار ساخت، با دقت در بزرگی ملک خدا و نیرویش بنگر که چگونه با تو و بر تو سلطه دارد و بند بند وجودت، در اختیار اوست که این بپتدید نافرمانیت را رام میکند و بر تندروی‌هایت مهار میزند و آنچه را که از خردت گریخته است به سویت باز میگردد.»

مساوات و عدالت:

از آثار و نتایج دیگر تقوای سیاسی، رعایت مساوات و عدالت و دوری از تبعیض در تقسیم امکانات از جمله بیت‌المال و برخورد با مردم میباشد. علامه نراقی در «جامع السعادات» به استناد حدیث پیامبر(ص) که در مورد نتیجه بیعدالتی فرموده «لابیقی من الاسلام الا اسمہ و لا من القرآن الا رسمہ» مینویسد: «شریف‌ترین و مهمترین عدالت‌ها و برترین و عمومیت‌ترین سیاست‌ها عدالت حاکم و زمامدار است، زیرا دیگر وجوه عدالت به آن بستگی دارد و اگر آن نباشد هیچ کس نمیتواند عدالت را رعایت کند و چگونه جز این تواند بود و حال آنکه تهذیب اخلاق و تدبیر منزل متوقف بر آسودگی خاطر و انتظام احوال است»، و نتایج اجتماعی بیعدالتی اینگونه است: «.... و با جور و ستم سلطان امواج متلاطم فتنه‌ها سر بر می‌آورد و انواع رنج‌ها انبوه و متراکم میشود و موانع مزاحم آسایش و آرایش رخ مینماید و سختیها و بلاهای زمانه رو می‌آورد و طالبان کمال همچون سرگشتگان در بیابان‌ها نه راهی به منزل و قصد خویش مییابند و نه راهنما و هدایت‌کننده‌ای پیدا میکند، میدان علم و عمل ویران میگردد و تاریکی همه اطراف آن دو را فرا میگیرد و دیگر ملاک و معیاری برای تحصیل سعادت‌ها یعنی آسایش خاطر و آرامش درون و انتظام ضروریات زندگی برای افراد انسان یافت نمیشود....» (4)

در نتیجه مستقیم عدالت یا ستمکاری حاکم با جامعه، پیامبر(ص) می‌فرماید: «هرگاه حاکم عادل باشد در پاداش هر طاعتی از هر رعیتی شریک است و اگر ستمکار باشد در گناهان آنان سهیم خواهد بود» و در مورد مرتبه حاکم عادل و ظالم در رستاخیز می‌فرماید: «نزدیکترین مردم در قیامت به خدای متعال زمامدار و حاکم عادل است و دورترین آنان از او پادشاه ستمکار است» و در خصوص ارزش عدالت فرموده است «یک سال دادگری از هفتاد سال عبادت بهتر است.» (5) حضرت علی(ع) نیز با پیروی از تعالیم پیامبر(ص) در مورد ارتباط حاکم با مردم می‌فرماید: «.... در میان مردم فروتن باش و با آنان نرمخویی و انعطاف‌پذیری پیشه کن و در برخورد با آنان گشاده‌رو باش و مساوات را حتی در سطح نگاه و اشارات تعارف‌آمیز پاس دار، تا زورمندان در ظلم تو طمع نبندند و ناتوان از عدالت نومید نشوند... باید که در رابطه با حق تمامی مردم یکسان بنگریم، چرا که در جور و ستم‌ها عدالت را نتوان یافت... و در مسئولیت‌ها و تکالیف الهی، هوای نفس خویش را به چیزی مگیر و با این خودشکنی به ثوابش امید ببند و از کیفرش بیمناک باش...»

در روایتی از حضرت علی(ع) آمده که در روز قیامت در مورد هفت چیز از انسان بازخواست میکنند که عبارتند از: «انجام نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تقسیم بیت‌المال به طور مساوی، رعایت عدالت در میان مردم و اجرای حدود الهی» که هر یک از موارد گفته شده مصادیقی بارز از تقوا و آثار آن در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی میباشد. از التزام عملی حضرت علی(ع) به عدالت، گزارش‌ها و روایات متعددی در تاریخ آمده که از جمله آنان تقسیم دقیق غنایم ارسالی از ایران میان رؤسای قبایل هفتگانه ساکن کوفه میباشد که حضرت حتی تکه نان باقی مانده را میان آنان بخش کرد و سرانجام نماز شکر را به جا آورد و سپس می‌فرماید: «باشد که روز قیامت برای من گواهی میدهد.» (6) مؤلف کتاب «بیت‌المال در نهج‌البلاغه» عقیده شیعه در مورد تقسیم بیت‌المال و رد تبعیض در آن را شرح میدهد و مینویسد: «طبق مبانی شیعه به طور کلی تقسیم بیت‌المال باید به طور مساوی بین افراد باشد، ولی در پاره‌ای موارد به خاطر اموری در تقسیم به بعضی بیشتر داده میشود، مثلا در تقسیم غنایم جنگی به جنگجویان پیاده یک سهم داده میشود، اما به جنگجویانی که سواره‌اند اگر یک اسب دارند، دو سهم داده میشود اگر چند اسب دارند، سه سهم تعلق میگیرد و این فرق به خاطر مخارج خوراکی و نگهداری اسب‌ها است و این موضوع حاکی از تبعیض در تقسیم بیت‌المال نیست.» (7) از دیگر صحنه‌های جالب توجه حیات امیرالمومنین در تقسیم بیت‌المال، ملاقات برادرش عقیل و داستان معروف آهن گداخته و واکنش سخت امام(ع) در برابر آن و تقسیم دانه‌های ریز کنجد و زیره بیت‌المال میان مردم بوده که الگویی برای کارگزاران و مسئولان میباشد و به عنوان مصادیقی از عدالت در سیاست و برنامه حکومتی میتوان به آن تأسی جست.

حضرت علی(ع) به عنوان مجری قانون «از کجا آورده‌ای؟» میفرماید: «حق را در هر کجا و در مورد هر کسی از خاصان و نزدیکان که لازم آمد، اجرا کن و در این راه با امید به بازده نکویش پای بفشار، هرگاه که حق، خویشان و نور چشمهایت را بیازارد، در برابر سنگینی خاصی که این امر بر تو دارد، به فرجامش ببانیدیش که بسی ستایشگر است.» در مخالفت با دادن امتیاز به خواص و بزرگان - که از گرد او پراکنده نشوند - و نه‌راسیدن از تنهایی در جبهه حق و پافشاری در تقسیم بیت‌المال قاطعانه اعلام میکند: «... آیا پیشنهاد میکنید پیروزی را با ستم به دست آورم؟ نه به خدا سوگند تا گاهی که خورشید برمی‌آید و ستاره‌ای در آسمان میدرخشد، هرگز چنین نخواهم کرد. به خدا سوگند اگر این اموال از خودم بود باز هم میان آنان تساوی قسمت میکردم، چه رسد به اینکه این اموال از خود مردم است.» (8) «بنابراین جلوگیری از ستمکاری توانگران بر ناتوانان، گرفتن حق زبردستان از زورمندان و برپا داشتن حدود در میان مردم، حق را به صاحب حق رساندن، به داد ستمدیدگان رسیدن، به فریاد مظلومان پاسخ دادن، و میان خویش و بیگانه، ارجمند و افتاده به عدل داوری کردن» از حقوق رعیت و بر ذمه پادشاه است و باید بدون جانبداری و حب و بغض نسبت به کسی انجام گیرند، زیرا مملکت با عدل آبادان میگردد.» (9)

برهیز از تجملات و تشریفات:

برهیز از تجملات و تشریفات از آثار مهم تقوا است که در گفتار و کردار حضرت علی(ع) به عنوان حاکم سیاسی جامعه نمایان است. ایشان به استناد نفی تجمل و تشریفات در مراسم حج و سیره نبوی به استفاده از نعمات الهی اشاره میکند که: «از تمامی نعماتی که خدا ارزانیته داشته است به بهترین وجه بهره‌گیری و هرگز هیچ یک از نعمت‌های خداوندی را که در اختیار داری، تباه مکن و چنان باش که آثار نعمات خدا بر تو آشکار شود.» به دیگر سخن، برداشت حضرت از تقوا برخلاف آنهایی است که با پشمینه‌پوشی و دوریگزینی از نعمات دنیوی به خیال خود متقی هستند و پارسایی کنند، چرا که عصاره زهد و پارسایی در آیه 23 سوره الحديد نهفته است که «الکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم» یعنی به آنچه از دست داده‌اید تأسف مخورید و آنچه به دست آورده‌اید شادمانی نکنید، پس تقوای الهی با رهبانیت مسیحی و پشمینه‌پوشی صوفیان تفاوت دارد.

پیروی از سیره حضرت علی(ع) برای مسئولان، خواص و نخبان به عنوان الگوهای جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا تقوای آنان، تقوای جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت. ایشان(ع) در این خصوص در نامه‌ای به عثمان بن حنیف استاندار بصره فرموده‌اند: «...آگاه باش که هر پیرو و مأمومی را پیشوایی است که باید از او پیروی کند و به روشنایی نور دانش وی روشنی گیرد...» و در پاسخ به همه کسانی - در همه زمان‌ها - که خود را عاجز از پیروی حضرت علی(ع) میدانند، به صراحت آورده‌اند که «...آگاه باشید که شما توان انجام این کارها را ندارید، اما مرا به پارسایی، کوشش، پاکدامنی و درستکاری یاری کنید...» و در ادامه نامه، بر نقطه حساس روحی انسان‌هایی انگشت گذاشته که وجود آنان هنوز زیر بار سنگین مادیات دفن نشده و امید میرود که با یاد مرگ به فطرت پاک خود بازگردند، لذا عاقبت و سرانجام آدمیان را اینگونه به تصویر میکشد: «... در حالی که جایگاه آدمی گوری است که در تاریکی آن نشانه‌هایش بر جای نماند و خبرهایش نهان گردد، گودالی است که اگر به گشادگی آن افزوده شود و دستهای گورکن فراخ سازد، سنگ و کلوخ آن را میفشارد و تنگ میسازد و خاک انباشته روزه‌های آن را میبندد، من نفس خود را تنها با پرهیزگاری میپروانم تا در روز بزرگترین بیم‌ها و ترس‌ها ایمن باشم و در لغزشگاه نلغزم.»

تنفر حضرت در خصوص استقبال مردم شهر انبار (نزدیک بصره) از وی، جلوگیری از همراهی برخی افراد با ایشان در پیاده‌روی، خودداری از حضور افراد ایستاده در خدمت، از نمونه‌های سیره عملی اعمال تکلیف‌آمیز و سنت‌های ناپسند، رنج دنیا و بدبختی و شقاوت آخرت را به دنبال خواهد داشت، اما محترم شمردن سنت‌های پسندیده از مسائلی بود که انجام آنها را به والیان خود گوشزد میکرد. به طور مثال به مالک اشتر توصیه کرد: «...بر هم زن آیین و سنت پسندیده‌ای را که بزرگان این امت بدان عمل کرده‌اند و مردم به سبب آن به هم پیوسته و الفت یافته‌اند و براساس آن رعیت با یکدیگر سازش و سامان پیدا کرده‌اند...»

بنابراین رفتارها و سنت‌های اجتماعی خالی از خرافات - مانند اعیاد اسلامی - که باعث پیوند مردم و مکارم اخلاق شده مورد پذیرش اسلام واقع شده‌اند، اما رفتار و صفات ناپسندی که نتایجی جز تکلف، رقابت و ریاکاری، صرف هزینه‌های گزاف و بیهوده در پی نخواهد داشت، مورد قبول پیامبر(ص) و ائمه(ع) نبوده‌اند، زیرا پیامبر(ص) در این خصوص فرموده است: «ان الذین یحب مکارم الاخلاق و یبغض سفاسفا» یعنی خداوند دوستدار بزرگواری و مکارم اخلاق است و صفات پست را که نشانه فرومایگی است دشمن میدارد.

آنچه آمد شمه‌ای از نتایج و آثار مهم تقوا در زمینه سیاست مملکت‌داری بود که حضرت علی(ع) در طی حیات کوتاه سیاسی خویش بدون هیچ عذر یا تردیدی اعمال و کارگزاران خود را بر آنها توصیه نمود و علیرغم وجود دشمنان دانایی همچون معاویه و دوستان منافقی مانند اشعث و دینداران متحجری چون خوارج، احکام الهی را بر زمین نگذاشت و سنت پیامبر(ص) را به دلیل گذشت زمان فراموش نکرد و تربیت یاران و شاگردان مخلص را به بهانه جنگ‌های کمرشکن معطل نگذاشت که این نیز از مصادیق عدالت عملی حضرت بود که کارها را به نظم انجام میداد و تقوای سیاسی ایشان تمام اعضای جامعه را همانند اعضای پیکری واحد در برگرفت و با عدالت و پرهیز از تشریفات و تفاخر، فریب غرور کاذب قدرت را نخورد و با نگاهی واحد، درصدد برقراری مساوات برآمد و سرانجام جان خود را در این راه نهاده و به شهادت رسید.

پینوشت:

- 1- قادر فاضلی، حکمت سیاسی یا سیاست حکمیت، تهران، علامه طباطبایی، چاپ اول، فروردین 1374، ص 111.
- 2- مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، صدرا، بیتا، ص 16- 17.
- 3- همان، صفحه 23.
- 4- مهدی نراقی، جامع السعادت، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، ج اول، تهران، حکمت، چاپ اول، 1364، ص 5- 123.
- 5- همان، ص 145.
- 6- جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الطفا، قم، شریف‌الرضی، طبع الاولی، 1411/1370، ص 180 و محمود مهدوی دامغانی، جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه، جلد اول، تهران، نشر نی، چاپ اول، اسفند 1367، ص 318.
- 7- حسین نوری، بیت‌المال در نهج‌البلاغ، تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، چاپ اول، زمستان 1363، ص 45- 46.
- 8- مهدوی دامغانی، جلد اول، همان، ص 321.
- 9- محمدبن علی بن طباطبا (ابن طقطقی)، تاریخ فخری و آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی - ترجمه محمودحیدر گلپایگانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، 1367، 43، 66.
- 10- نراقی، همان، ص 425.
- 11- محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی، اخلاقی از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چاپ سوم، 1397 ق، ص 148.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی